



۲۰۱۸/۰۵/۰۱



غ. حضرت

نباید هشت ثور را با هفت ثور مقایسه کرد

یادداشت اداره:

این مطلب عالی و متین، دیروز به مناسبت هفته تکفیر هفت و هشت ثور در ستون نظرات "آریانا افغانستان آنلاین" با خامه توانا و اندیشه رسای همکار و دوست عزیز و گرانقدر ما جناب "غلام حضرت" درج گردیده بود که این کمترین با خواندن آن افسوس خوردم که این چنین مطلب عالی و پر محتوا چرا در ستون مقالات صفحه اول آریانا افغانستان نشر نشده است و اینک خواستم آنرا با امانت در اینجا انتقال دهم و تصدیق کنم که هفت ثور و هشت ثور هر دو برای وطن ما افغانستان عزیز سیاه روز، طوفانی و ماتم زا بوده است. ولی احمد نوری

با عرض سلام و ادب.

بخاطر عدم فرصت و کم حوصلگی، مجال نوشتن مقاله راجع به (ثور) ندارم هرچند ابراز درد دل ملی و جیبیه هر افغان می باشد.

بسیاری از دوستان محترم ضمن نوشته های خویش غالباً هشت ثور را با هفت ثور مقایسه می کند که به نظر بنده این امر به معنی خلط شکل و محتوای یک پدیده می باشد. اجازه مداخله تعویض و جابجا نمودن این گونه سلیقه ها را که دیگران اعمال می کنند، بخود نمی دهم اما محترمانه عرض شود که:

مثلی که سایر جهانیان (بخصوص جهانیان مرفه و شیک اندیش) نمی خواستند یا نمی خواهند و یا نمی توانند ما یک چند صباحی زندگی آرام و آبرومندانه داشته باشیم.

هر حالتی که داشتیم در کام ما به تلخی مبدل گردید.

وقت و زمان آرامش قبل از طوفان، حد اکثر بیست تا چهل ساعت می باشد ولی زمان آرامش قبل از طوفان ملی ما چهل سال بود البته آرامش توأم با خواب گرفتگی.

(بهر حال آرامش تلقی می شد، هر چند سخت قابل کنکاش می بوده)، دموکراسی و سلطنت مورد غضب بعضی ها قرار گرفت و دست به کودتاه زد و هوس معرفی لغت جمهوریّت نمود.

زمان آرامش قبل از طوفان آهسته آهسته کوتاه تر می شد، تشخیص داده شد (البته بیرون از جغرافیای سیاسی ما) که ورق برگردانده باید شود، ورق برگشت، جمهوریت به قلبی تعبیر گردید و رهبرش قربانی این ورق بازی شد.

باد های تند که بیانگر آمدن طوفان بود، شروع به وزیدن نمود. سیاهی عجیب و غریب حاکم گردید، در پهلوی کلمه جمهوریت، دموکراتیک نیز اضافه گردید، شورای انقلابی و حزب و انقلاب و زحمت کشان و نو و جدید نیز بر ادبیات نوظهور اضافه گردید. شاگرد وفادار و استاد و نابغه شرق نیز اذهان مردم را به ادرس های موهوم و نابلد و نا آشنا سوق دادند. خلاصه، ثناتر بازی های ترسناک، تأریخ و جغرافیه و قافله مردم را به مرکز طوفان نزدیک می نمود (یعنی ما به طرف طوفان در حرکت بودیم که البته طوفان نیز به سوی ما به راه انداخته شده بود) تا اینکه ما و طوفان به تأریخ شش جدی هم آغوش شدیم.

اینکه طوفان ده ساله از ما و از دیگران چقدر قربانی گرفت لازم به تذکر نیست ولی قربانی گرفت و بد هم گرفت، البته این طوفان نه دو جهتی بلکه چهار جهتی بود، سرعت و قدرت تخریبش زیاد بود تا جائیکه بیخ دیوال های کرملین و برلین و اروپای شرقی را پوسانید.

طوفان بعد از تأثیر گذاری اش بر جهان، به سراغ اطاق تصامیم ملی ما نیز آمد، متأسفانه ما به یک هزار و یک دلیل و علت نتوانستیم در برابر این طوفان که ظاهراً فروکش هم نموده بود مقاومت کنیم و تسلیم به ایجاد و یا بهتر گفته شود مجبور به تحمل هشت ثور شدیم.

امیدوارم بتوانیم جرئت کنیم شکل و محتوای هفت و هشت ثور را از هم تشخیص کنیم، درست است که هر دوی آنها مایه رنج و درد هموطنان عزیز ما شده ولی:

■ اولاً

کنترول و مدیریت سناریوی تلخ هشت ثور در دست ما نبود کما اینکه سناریوی هفت ثور در اختیار نیروی داخلی نبود بلکه در اختیار شوروی ها بود البته این حرف هرگز به معنی برائت دادن به وطن فروشان خلقی - پرچمی نیست.

■ دوماً اینکه:

بکسک جیبی ما که حاوی همه چیز ما بود از قبیل تذکره و لیسنس و پول و کوپون و کارت هویت و افغانیت ... در هفت ثور گم شد یا مثلاً توسط یک کیسه بر دزدیده یا توسط یک سارق مسلح به سرقت رفت اما در هشت ثور دوباره پیدا و بدست ما رسید منتهی خالی از محتویات.

حالی اگر یک کمی صداقت و انصاف داشته باشیم آیا چنین قضاوت و نتیجه گیری نخواهیم کرد که مثلاً: درست است که مسؤول گم شدن محتویات بکسک ما همین هشت ثوری ها هستند ولی اگر روز اول همین هفت ثوری ها این بکسک را نه می دزدید ما با این مشکل روبرو نمی شدیم.

■ سوماً اینکه:

در این طوفانی که ما دچارش شدیم همه چیزهای با ارزش خدشه دار شدند از قبیل حُسن سلطنت و حُسن دموکراسی و حُسن جمهوریت و حُسن لویه جرگه و حُسن دموکراتیک و حُسن مبارزه با استعمار و استثمار و

احقاق حقوق زحمت کشان، حُسن فرهنگ زیستنِ مسالمت آمیز و بدون تبعیض، حُسن دین و مذهب و زبان و فرهنگ و احترام متقابل، حُسن ضرورت تشکیل حزب ملی خلاصه هر آنچه در اشعار و ادبیات طولانی و عریض دولت داری و حکومت داری و شرائط مدنی و هموطنی سروده می شود، در این طوفان کوبنده خدشه دار و زخمی شد.

امید و اریم آرامش بعد از طوفان و طوفان های کوبنده به حدِ مطمئن و طولانی باشد که ما دیگر از فرط خوشی و سعادت، وقت و حوصله نکوهش هفت و هشت ثور نداشته باشیم.

